



پدر پر توجه

یکی از شاگردان از عیسی خواست: «به ما دعا کردن را بیاموز.» عیسی به روشی دعا کرد که شاگردان تا به آن موقع از او نمیشناختند. شاگردان احترام زیادی برای خدا قائل بودند. آنها با این نگرش بزرگ شده بودن که خدا قادر مطلق، قدوس، حاضر مطلق، عادل و مهربان است. اما عیسی به روش دیگری با خدا صحبت کرد که آنها با آن آشنا نبودند.

متی ۶: ۹-۱۰

عیسی گفت: «این گونه دعا کنید: ای پدر آسمانی ما، نام تو مقدس باد. پادشاهی تو بیاید و اراده تو همانطور که در آسمان اجرا می شود، در زمین نیز اجرا شود.» در این دعا عیسی می آموزد که خدا برای ما یک پدر است. او نه تنها در ملکوتش پادشاه و قادر مطلق است، بلکه پدر هم هست.

پدر به چه چیزی می اندیشد؟

متی ۶: ۱۱-۱۳

خدا همیشه میخواست ما بدانیم که او میخواهد پدر ما باشد، از ما مراقبت کند، به ما محبت کند، ما را ببخشد و از ما محافظت کند. او مشتاق است که ما همانند پسر و دختر او رفتار کنیم و آنچه او برای ما مهیا کرده را دریافت کنیم. او مشتاق است رابطه مان با او بهبودی بیابد تا قادر باشیم محبت او را آزادانه دریافت کنیم. با اینحال انسانها این قاعده را درک نمی کنند، در نتیجه عیسی آمد تا این بهبودی را به ارمغان بیاورد.

عیسی آمد تا خدا را به عنوان پدر نمایان کند

یوحنا ۱: ۱-۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴

خدای پدر میخواست بین انسانها زندگی کند تا صدایش را بشنوند، چون انسانها اغلب صدایش را تشخیص نمی دادند. او بطور متوالی پیامبرهایی را میفرستاد که صدایش را میشنیدند، اما این پیامبران هم خدا را به طور محدود میشناختند. به همین خاطر خدای پدر انتخاب کرد تا در بین انسانها بیاید و میان آنها زندگی کند. برای اینکه مردم از او نترسند در جسم یک انسان آمد، یعنی عیسی. او پسر مریم بود. روح خدا عیسی را در رحم مریم نهاده بوده. یهودیان بسیاری در انتظار مسیح، آن نجات دهنده، هستند. اما هیچکس انتظار آن را نداشت که مسیح از این طریق، به عنوان عیسی پسر خدا، به دنیا بیاید. همه فکر میکردند خدا پادشاهی اش را به روشی کاملاً متفاوت برقرار خواهد کرد، و همه منتظر فرمانروای مقتدر و قدرتمند بودند. عیسی بر خلاف انتظار همگان معصومانه و بی آزار و همچون کودکی، بدون قدرت ظاهری آمد.

هدف او این بود که به انسانها نشان دهد خدا حقیقتاً کیست و چگونه میتوان در امنیت با این پدر زندگی کرد.

عیسی در مورد پدر چه چیزی را نشان می دهد؟

یوحنا ۱: ۱۸

یوحنا ۴: ۳۴؛ ۸: ۲۹

یوحنا ۵: ۱۹-۲۰

یوحنا ۱۰: ۳۸

یوحنا ۱۴: ۹

یوحنا ۱۴: ۶

پدر و عیسی، نمونه ای برای ما

- لوقا ۳: ۲۱-۲۲ او عیسی و شادی اش را نسبت به عیسی ابراز میکند.
- متی ۱۷: ۵ او عیسی را به عنوان پسرش تأیید میکند.
- یوحنا ۸: ۵۹ پدر از عیسی در برابر مهاجمین محافظت میکند.
- یوحنا ۱۹: ۱۰-۱۱ چون عیسی در مطابقت به اراده پدر زندگی میکند، بناً پدر اجازه نمیدهد که هیچ چیزی برخلاف اراده اش اتفاق بیفتد؛ تا خداوند اجازه ندهد حتی پادشاه هم نمیتواند کاری انجام بدهد.
- متی ۲۸: ۱۸ پدر عیسی را فرستاد و قدرت و اقتدار خود را به او داد.

خدا، اکنون پدری برای ما

- یوحنا ۲۰: ۱۷ مهمترین چیزی که عیسی به شاگردانش میگوید این است که اکنون آنها نیز میتوانند خدا را به عنوان پدر تجربه کنند.
- یوحنا ۱۴: ۱۸-۲۱ عیسی میگوید که ما میتوانیم او را دوست داشته باشیم و مانند خودش در وابستگی و اعتماد زندگی کنیم. در آنصورت پدر خود را برای ما آشکار میکند.
- یوحنا ۱۴: ۲۳ درینصورت پدر با ما زندگی خواهد کرد. خدای پدر شما را دوست دارد.

از ایمانداران چگونه یاد می شود؟

غلاطیان ۴: ۴-۷

این بدان معناست که ما وارثین هستیم.

درد

اگر ما رابطه چندان خوبی با پدر زمینی خود نداشته ایم اغلب این سوژه ای دردناکی است و گاهی اوقات نیز زندگی ما را تحت تاثیر قرار میدهد. بسیاری از مواقع، ما همین تصویر را منحیث یک مثال اشتباه از خدا قرار میدهیم. بطور نمونه، اگر ما بسیار قانونمند تربیت شده باشیم و باید بسیار کار میکردیم، انتظار داریم که خدا نیز اینگونه با ما برخورد کند. یا اگر پدری داشته ایم که دایم عصبانی یا حتی خشن بوده است، برای ما بسیار سخت است که خدا را به عنوان پدر پر توجه و پر محبت تصور کنیم.

بهبودی امکان پذیر است

لوقا ۱۵: ۱۱-۲۴

در این داستان میبینیم که پدر منتظر پسر خود است. با وجود اینکه پسر به شیوه بدی زندگی میکند، مگر پدر او را هنوز دوست دارد. همینگونه، خدا نیز مانند یک پدر منتظر شماست. پدر به پسرش لباس، انگشتر و کفشهایی نو میدهد. همچنین پدر جشنی را ترتیب میدهد. خدای پدر نیز به همین شیوه میخواهد از شما استقبال کند.



تکلیف

از خدا بخواهید که در جریان هفته آینده، قلب پدرانه خود را به شما مکاشفه کند.

آیا میخواهید شبیه پدر باشید؟ اگر به این چیز فکر میکنید در قلب شما چه اتفاق می افتد؟ به لحظات بزرگی که با پدرتان گذرانده اید فکر کنید. آیا ویژگی هایی وجود دارد که آنها را در خود نیز مشاهده میکنید؟ خدا را بخاطر لحظات خوش و ویژگی های خوب اخلاقی

پدرتان شکر گویند. اگر پدرتان هنوز زنده است، پس شاید بتوانید این را در کارت یا نامه ای برای او بنویسید. البته میتوانید این کار را برای همان کسی نیز انجام دهید که برای شما در زندگی نقش یک پدر را داشته است.

از خدا بخواهید که آیا چیزی از گذشته است که باید با پدرتان حل کنید. زمان بگذارید و برای حل این مسئله با خدا صحبت کنید. اگر خدا چیزی به شما نشان نداد، کاری انجام ندهید.

با مرپی خود صحبت کنید که پدرتان برای شما چه کسی بوده است. از روح خدا بخواهید آنچه را که از گذشته تان میخواهد شفا دهد، به شما نشان بدهد.

آیا شرایطی وجود دارد که ناگهان به آنها فکر میکنید؟ آیا با برخی از خصوصیات اخلاقی پدرتان مشکل دارید؟ آیا اتفاقات دردناک و ناگواری در مورد پدرتان وجود دارند که نیاز به شفا دارند؟

اصل ششم

خدای پدر شما را دوست دارد! شما برایش ارزش دارید و او تائید میکند که شما فرزندان او هستید، درست همانگونه که به پسرش عیسی کرد.



متی ۶: ۹، ۱۰

۹ پس شما اینگونه دعا کنید: «ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد. ۱۰ پادشاهی تو بیاید اراده تو، چنانکه در آسمان انجام میشود اراده تو، بر زمین نیز به انجام رسد».

متی ۶: ۱۱-۱۳

۱۱ نان روزانه ما را امروز به ما عطا فرما. ۱۲ و قرضهای ما را ببخش چنانکه ما نیز قرضداران خود را می بخشیم. ۱۳ و ما را در آزمایش میاور بلکه از آن شرور رهاییمان ده زیرا پادشاهی و قدرت و جلال، تا ابد از آن توست. آمین

یوحنا ۱: ۱-۵، ۸-۱۰، ۱۴

۱ در آغاز کلام بود و کلام با خدا بود و کلام، خدا بود. ۲ همان در آغاز با خدا بود. ۳ همه چیز به واسطه او پدید آمد، و از هر آنچه پدید آمد، هیچ چیز بدون او پدیدار نگشت. ۴ در او حیات بود و آن حیات، نور آدمیان بود. ۵ این نور در تاریکی میدرخشد و تاریکی آن را در نیافته است. ۶ او خود آن نور نبود، بلکه آمد تا بر آن نور شهادت دهد. ۷ آن نور حقیقی که بر هر انسانی روشنائی می افکند برآستی به جهان می آمد. ۸ او در جهان بود، و جهان به واسطه او پدید آمد؛ اما جهان او را نشناخت. ۹ او کلام، انسان خاکی شد و در میان ما مسکن گزید و ما بر جلال او نگریم، جلالی درخور آن پسر یگانه که از جانب پدر آمد، پر از فیض و راستی.

یوحنا ۱: ۱۸

۱۸ هیچکس هرگز خدا را ندیده است. اما آن خدای یگانه که در بر پدر است، همان او را شناسانید.

یوحنا ۴: ۳۴؛ ۸: ۲۹

۳۴ عیسی به ایشان گفت: «خوراک من این است که اراده فرستنده خود را به جا آورم و کار او را به کمال رسانم.

۲۹ او که مرا فرستاد، با من است. او مرا تنها نگذاشته، زیرا من همواره آنچه را که مایه خشنودی اوست، انجام می دهم.

یوحنا ۵: ۱۹، ۲۰

۱۹ آنگاه عیسی در جواب ایشان گفت: آمین آمین به شما می گویم که پسر از خود هیچ نمی تواند کرد مگر آنچه ببیند که پدر به عمل آرد، زیرا که آنچه او می کند، همچون پسر نیز می کند. ۲۰ زیرا که پدر پسر را دوست می دارد و هر آنچه خود می کند بدو می نماید و اعمال بزرگتر از این بدو نشان خواهد داد تا شما تعجب نمایید.

یوحنا ۱۰: ۳۸

۳۸ و لکن چنانچه بجا می آورم، هرگاه به من ایمان نمی آورید، به اعمال ایمان آورید تا بدانید و یقین کنید که پدر در من است و من در او.

یوحنا ۱۴: ۶

۶ عیسی بدو گفت: من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی آید.

لوقا ۳: ۲۱-۲۲

۲۱ هنگامی که مردم همه تعمیم میگرفتند و عیسی نیز تعمیم گرفته بود و دعا میکرد، آسمان گشوده شد ۲۲ و روح القدس به شکل جسمانی، همچون کبوتری بر او فرود آمد، و ندایی از آسمان در رسید که «تو پسر محبوب من هستی، و من از تو خشنودم.»

متی ۱۷: ۵

۵ هنوز این سخن بر زبان پطرس بود که ناگاه ابری درخشان ایشان را دربر گرفت و ندایی از ابر در رسید که: «این است پسر محبوبم که از او خشنودم؛ به او گوش فرادهید!»

یوحنا ۸: ۵۹

۵۹ پس سنگ برداشتند تا سنگسارش کنند، اما عیسی خود را پنهان کرد و از محوطه معبد بیرون رفت.

یوحنا ۱۹: ۱۰-۱۱

۱۰ پس پیلاتس او را گفت: «به من هیچ نمیگویی؟ آیا نمیدانی قدرت دارم آزادت کنم و قدرت دارم بر صلیبت کشم؟ عیسی گفت: «هیچ قدرت بر من نمیداشتی اگر از بالا به تو داده نشده بود. از اینرو، گناه آن که مرا به تو تسلیم کرد، بسی بزرگتر است.»

یوحنا ۲۰: ۱۷

۱۷ عیسی بدو گفت: مرا لمس مکن زیرا که هنوز نزد پدر خود بالا نرفته ام. ولیکن نزد برادران من رفته، به ایشان بگو که نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما می روم.

یوحنا ۱۴: ۱۸-۲۱

۱۸ شما را یتیم نمی گذارم نزد شما می آیم. ۱۹ بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا نمی بیند و اما شما مرا می بینید و از این جهت که من زنده ام، شما هم خواهید زیست. ۲۰ در آن روز شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما. ۲۱ هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند، آن است که مرا محبت می نماید؛ و آنکه مرا محبت می نماید، پدر من او را محبت خواهد نمود و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت.

غلاطیان ۴: ۴-۷

۴ لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد شد تا آنانی را که زیر شریعت باشند فدیه کند تا آنکه پسرخواندگی را بیابیم. ۶ اما چونکه پسر هستیید، خدا

روح پسر خود را در دل‌های شما فرستاد که ندا می‌کند «یا ابا» یعنی ای پدر. ^۷لهذا دیگر غلام نیستی بلکه پسر، و چون پسر هستی، وارث خدا نیز بوسیلهٔ مسیح.

لوقا ۱۵: ۱۱-۲۴

۱۱ باز گفت: شخصی را دو پسر بود. ۱۲ روزی پسر کوچک به پدر خود گفت: ای پدر، ر صد اموالی را که باید به من رسد، به من بده. پس او مایملک خود را بر این دو تقسیم کرد. ۱۳ و چندی نگذشت که آن پسر کهنتر، آنچه داشت جمع کرده، به ملکی بعید کوچ کرد و به عیاشی ناهنجار، سرمایهٔ خود را تلف نمود. ۱۴ و چون تمام را صرف نموده بود، قحطی سخت در آن دیار حادث گشت و او به محتاج شدن شروع کرد. ۱۵ پس رفته، خود را به یکی از اهل آن ملک پیوست. وی او را به املاک خود فرستاد تا گرازبانی کند. ۱۶ و آرزو می‌داشت که شکم خود را از خرنوبی که خوکان می‌خورند سیر کند و هیچ کس او را چیزی نمی‌داد. ۱۷ آخر به خود آمده، گفت، چقدر از مزدوران پدرم نان فراوان دارند و من از گرسنگی هلاک می‌شوم! ۱۸ برخاسته، نزد پدر خود می‌روم و بدو خواهم گفت، ای پدر به آسمان و به حضور تو گناه کرده‌ام، ۱۹ او دیگر شایستهٔ آن نیستم که پسر تو خوانده شوم؛ مرا چون یکی از مزدوران خود بگیر. ۲۰ در ساعت برخاسته، به سوی پدر خود متوجه شد. اما هنوز دور بود که پدرش او را دیده، ترحم نمود و دوان دوان آمده، او را در آغوش خود کشیده بوسید. ۲۱ پسر وی را گفت، ای پدر به آسمان و به حضور تو گناه کرده‌ام و بعد از این لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم. ۲۲ لیکن پدر به غلامان ود گفت، جامهٔ بهترین را از خانه آورده، بدو بپوشانید و انگشتری بر دستش کنید و نعلین بر پایهایش، ۲۳ گوسالهٔ پرواری را آورده ذبح کنید تا بخوریم و شادی نماییم. ۲۴ زیرا که این پسر من مرده بود، زنده گردید و گم شده بود، یافت شد. پس به شادی کردن شروع نمودند.